



کتابخانه



سلام



زندگی از منظر سوره «الرحمن»:

جلسه سی ام - ۲۲ دی ماه ۱۳۹۹

آیة ۷۴:



لَمْ يَطْمِئْنِ

إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ (٧٤)

هیچ انس و جنی قبل از آنان با آنها تماس نگرفته است.

« طمٹ »:

« لمسی لطیف و تماس و تصرفی مؤثر »،

که « شور آفرین » و « حیاتبخش » است.

پس « لوح وجود » آنان، « بکر و پاک » است،

و هنوز هیچ « نقشی » نگرفته‌اند.

پرسی:



«پیام» این «تکرارها» چیست؟

فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (٥٢)

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ (٥٦)

فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ (٦٨)

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ (٧٠) حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (٧٢)

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ (٧٤)

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (١٠)

فِيهَا: فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (١١)

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (١٢)

خوراکی ها:

فِيهِمَا: مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (٥٢)

فِيهِمَا: فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ (٦٨)

لَمْ يَطْمِئْهُنَّ إِنْصُ قَبْلَهُمْ وَلَا جَان (٥٦)

لَمْ يَطْمِئْهُنَّ إِنْصُ قَبْلَهُمْ وَلَا جَان (٧٤)

پس هیچ انس و جنی، « قبل از آن خائفین »،

« آن منابع مؤنث » را لمس نکرده و آنها « باکره » اند.

سه پریشی:



فیهن: ۱- « قاصِرَاتُ الطُّرُفِ » ... (۵۶)

فیهن: ۲- « خَيْرَاتُ حِسَانٍ » (۷۰)

۳- « حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ » (۷۲)

پرسش اول: منظور از « **فیهن** »، « کجاست؟ »

دوم: « کارکردِ » این « سه مجموعه مؤنث » چیست؟

سوم: آیا آنها در « درونِ » هر « خائف » اند یا در « بیرونِ » او؟¹⁴

آیة ۷۵:



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۵)

* پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می شمارید؟*

« مکذِّبین » چه افرادی هستند؟

غیر از انبوه کودکان و نوجوانان و سالمندان، اکثر مردم جهان،
کارگر، کشاورز، بانوان، کسبه، مردم عادی و فقرائی هستند که

گرفتار مسائلِ «**روزمره**»

و در تلاش برای تأمینِ «**معاش**» خویش هستند،

و هیچ فرصتی برای توجه به «**آلاءِ الهی**» ندارند.

پس « **تکذیب** کنندگانِ **آلاءِ الهی** »،

قطعاً افرادی « **اسیرِ نفسانیت** »،

و « **تابعِ شیطان** » هستند که

دنبالِ « **شرارت و رذالت** » می‌باشند.

پرسی:



خانه « شیطان » کجاست؟

(برخی) شیطان را ملاکِ کارشان گرفتند او هم آنها را دام قرار داد
و در درونشان «**لانه**» و تخم‌گذاری «و در دامنشان رشد کرد،
با چشم آنها نگاه کرد و با زبانشان حرف زد، پس بر مرکبِ
لغزشها سوارشان کرد و امورِ **فاسد** را در نگاهشان جلوه داد ...

اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مِّلَاكًا وَ اتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَاكًا فَبَاضَ وَ فَرَّخَ
فِي صُدُورِهِمْ وَ دَبَّ وَ دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ فَنَظَرَ بِأَعْيُنِهِمْ وَ نَطَقَ
بِالسِّنِّتِهِمْ فَرَكِبَ بِهِمُ الزَّلَّلَ وَ زَيْنَ لَهُمُ الْخَطَلَ ... (خطبه: ۷)

پس «**شیطان**» در کوه و بیابان و جنگل و دریا نیست،

بلکه «**لانه‌اش**» در «**نفسانیت**» انسان است که

افراد را به «**شرارت** و **آتش‌افروزی**» می‌کشاند.

پس «هر انسانی» با هر نسبتی، «**بالقوه**»،

یک «**أَبُو لَهَب**» و «**پدرِ آتش**» است.

خصوصیتِ « آتش » چیست؟

« آتش »،

« زبانه » و « خوی تجاوزگرانه » دارد،

پس حتی اگر یک « جرقه »، « کوچک » باشد،

حتماً خودش را به اطراف، « سرایت » می‌دهد،

و باعث²⁵ « اشتعال و آتش‌افروزی » می‌شود.

(منافقین) باطل می گویند اما حق جلوه می دهند ...

آنها یاران شیطان و **زبانهای آتش** هستند ...

شیطان هرگز از کارش عاجز نمی شود. (خ/۱۹۲)

ای معاویه؛ ... عنانت را از دست شیطان به در آر. (نامه/۳۳)

پس اینکه « آتشِ **جهنم** »، « **زبان**ه » دارد،

به خاطر اینست که « **جهنمیان** »،

در « **تجسّم** **شرارت‌های** » دنیوی خود می‌سوزند:

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ * سَيَصْلَى نَاراً ذَاتَ لَهَبٍ.

بزودی در آتشی پر زبانه می‌سوزد. (مسد/۳)

آیة ۷۶:



مُتَكِّينَ عَلٰی رُفُوفٍ خُضِرٍ

وَعَبَقَرِي حِسَانٍ (٧٦)

بر بالش سبز و فرش نیکو تکیه زده‌اند.

مُتَكِّئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَاطِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ (۵۴)

بر فرشهایی که آسترشان لطیف و براق است تکیه داده‌اند و چیدن میوه آن دو باغ در دسترس است.

مُتَكِّئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبَقَرٍ حِسانٍ (۷۶)

بر بالش سبز و فرش نیکو تکیه زده‌اند.

مُتَكَبِّينَ: (وڪا) دارايِ « **إِسْتِقْرَارَ، اِتْكَأَ، ثَبَاتَ و آرامش** ».

رَفْرَفٍ: طاقيچه، بالش، پُشتی.

عَبْقَرِيٌّ: فرش، تخت.

حَسَانٍ: زیبا، نیکو.

آیة ۷۷:



فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۷)

* پس شما (جن و انس)

کدام یک از آلاء خدایتان را دروغ می شمارید؟ *

« شرارت‌های مکذبین » عبارتند از:

اول: ... الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (ناس/٥)

دوم: إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ (أنعام/١٢١)

سوم: وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّخَرَ ... (بقره/١٠٢)

چهارم: فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ... (بقره/١٠٢)

پنجم: وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ ... (بقره/١٠٢)

ششم: يا بَنِي آدَمَ؛ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ
يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا ... (اعراف/۲۷)

هفتم: ثُمَّ لَا تَيْنَهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ
و لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (اعراف/۱۷)

هشتم: آنها « منافقانه » و با « أعمالِ » خود « حقایق » را « تکذیب »
و در اذهان مردم، « شک و شبهه » ایجاد می کنند.

« نهمين تلاشِ مكدئين ؟ »

أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ؟ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ

يَسْمَعُونَ **كَلَامَ اللَّهِ**

ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

(بقره/۷۵)

آیا طمع دارید که (اینان) به شما ایمان آورند با آنکه گروهی از آنها سخنان خدا را می‌شنوند³⁸ سپس آنرا بعد از فهمیدنش تحریف می‌کنند در حالیکه خودشان می‌دانند.

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ

وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِالسِّنْتِهِمْ
وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا
وَاسْمَعُ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ
وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (نساء/ ٤٦)

برخی از یهودیان کلمات را از جایشان برمی گردانند،

و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین می گویند: شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو (که کاش) ناشنوا گردی و (با استهزا می گویند) راعنوا (به ما التفات کن اما در عبری یعنی خبیث ما) و اگر آنها می گفتند شنیدیم و فرمان بردیم و بشنو و به ما بنگر برایشان بهتر و درست تر بود ولی خدا آنها را به علت کفرشان لعنت کرد در نتیجه جز (گروهی) اندک ایمان نمی آورند.

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً

يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ

وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلُعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

(مائده/۱۳)

پس به (سزای) پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم

زیرا کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند،

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ
مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ
وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ

يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ

يَقُولُونَ إِن أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

(مائده/۴۱)

ای رسول؛ آنها که در کفر شتاب دارند تو را غمگین نکند (چه) از آنها که با زبانشان گفتند ایمان آوردیم اما دلهایشان ایمان نیاورده بود
و (چه) از یهودیانی که به تو گوش می کنند تا برای تکذیب تو و برای گروهی دیگر که نزد تو نیامده اند خبرچینی می کنند

کلمات را از جاهای خود دگرگون می کنند،

سَيَقُولُ **الْمُخَلَّفُونَ** إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَائِمٍ لِّتَأْخُذُوا ذُرُونا نَتَّبِعْكُمْ

يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ

قُلْ لَن تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلاً

(فتح/۱۵)

چون برای گرفتن غنائم روانه شدید به زودی برجای ماندگان خواهند گفت بگذارید ما به دنبالتان بیاییم

آنها می خواهند دستور خدا را تغییر دهند،

42

بگو هرگز از پی ما نخواهید آمد آری خدا از پیش در باره شما چنین فرموده پس به زودی خواهند گفت [نه] بلکه بر ما رشک می برید [نه چنین است] بلکه جز اندکی در نمی یابند

«تعریف» چه کاری است؟

تحریف؛ « **جنگی** » ذهنی و شناختی و ادراکی است،
با:

« نشر شایعات و روایاتِ دروغ و ترجمه و تفاسیر غلط »
و « عوض کردن منظور آیات و جای اصل و فرع »،
و « تصویرسازی غلط و وارونه جلوه دادن واقعیت‌ها »،
برای « بدبین و متفرق و ناامید کردن و ترساندن مردم »
و به ⁴⁴ « فسق و فجور و فحشاء و فساد کشاندنِ جامعه ».

آیة ۷۸:



تَبَارَكَ « اسْمُ » رَبِّكَ

ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۷۸)

مبارک است اسمِ خدای تو که با شکوه و بزرگواری است.

« اِسْمُ رَبِّ »،

مظهر و سرشار هر « برکتی » است،

و هر « جلال و شکوه و عظمتی »،

از « رَبِّ » در « اِسْم » تجلی پیدا می کند.

« **زندگی** » انسان فقط در فضای « **اسم ربّ** »،

« **معنا** » پیدا می‌کند و هر « گفتار و رفتار » او

مظهرِ « **حقّ** » می‌شود و از « **باطل** » در امان می‌ماند،

و خودش مثلِ اولیاء الهی، « آیتِ الهی » می‌شود،

که ⁴⁸هم « **متبرک** » می‌شود و هم « **متبرک** » می‌کند.

پرسی:



فرقِ «وجه» با «اسم» چیست؟

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (٢٦)

وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْإِزْلَامِ (٢٧)

تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْإِزْلَامِ (٧٨)

یک «احتمال» برای «تبارک»:»

شاید « تمام مخلوقات »،

به این خاطر « **برکت** » هستند که

« **دو خاصیت متضاد** » دارند.

یعنی: اگر مطابقِ « اسمِ **رَبِّ** » باشند « **نعمت** » اند،

اما⁵³ در مخالفت با « اسمِ **رَبِّ** »، « **نقمت** » می‌شوند.

«برکه» چگونه پدید می آید؟



« نڱاه ڪٿي » ٻه سوره:

بخشِ اول:



الرَّحْمَنُ (١)

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (٢) خَلَقَ الْإِنْسَانَ (٣) عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (٤) الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (٥) وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (٦)
وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (٧) أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (٨) وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (٩)
وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (١٠) فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (١١) وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (١٢)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٣) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (١٤) وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ (١٥)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٦) رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (١٧)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٨) مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (١٩) بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (٢٠)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٢١) يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (٢٢)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٢٣) وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (٢٤)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٢٥) كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (٢٦) وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (٢٧)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٢٨) يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (٢٩)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٠) سَنَفَرُغُ لَكُمْ آيَةَ الثَّقَلَانِ (٣١)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٢) يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (٣٣)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٤) يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظُ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ (٣٥)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٦) فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (٣٧)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٨) فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ (٣٩)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٠) يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ (٤١)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٢) هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (٤٣) يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ (٤٤)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٥)

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (٢)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ (٣)

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (٤)

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (٥)

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (٦)

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (٧)

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (٨)

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (٩)

الرَّحْمَنُ (١)

وَالْأَرْضِ:

وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (١٠) فِيهَا **فَاكِهَةٌ** وَ **النَّخْلُ** ذَاتُ الْأَكْمَامِ (١١) وَ الْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَ الرِّيحَانُ (١٢)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٣) خَلَقَ **الْإِنْسَانَ** مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (١٤) وَ خَلَقَ **الْجَانَ** مِنْ نَارٍ (١٥)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٦) رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (١٧)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٨) مَرَجَ **الْبَحْرَيْنِ** يَلْتَقِيَانِ (١٩) بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (٢٠)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٢١) يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ (٢٢)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٢٣) وَ لَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (٢٤)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٢٥) كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (٢٦) وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ (٢٧)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٢٨) يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (٢٩)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٠) سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيَّةَ ثَقَلَانٍ (٣١)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٢) يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (٣٣)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٤) يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظُ مِنْ نَارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ (٣٥)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٦) **فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ** فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (٣٧) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٣٨)

لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ (٣٩)

فَبَايَٓ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٠)

يُعرفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمَا فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ (٤١)

فَبَايَٓ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٢)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (٤٣) يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ (٤٤)

فَبَايَٓ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٥)

فَيَوْمَئِذٍ:

بخش دوم:



وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ (٤٦)

- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٧) ذَوَاتَا أَفْنَانِ (٤٨)
- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٤٩) **فِيهِمَا عَيْنَانِ** تَجْرِيانِ (٥٠)
- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥١) **فِيهِمَا** مِنْ كُلِّ **فَاكِهَةٍ** زَوْجَانِ (٥٢)
- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٣) مُتَكَيِّينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ جَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانِ (٥٤)
- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٥) **فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ** لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانِ (٥٦)
- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٧) كَانَهُنَّ أَلْيَاقُوتٌ وَالْمَرْجَانُ (٥٨)
- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٥٩) هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (٦٠)
- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦١) **وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ** (٦٢)
- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٣) مُدْهَامَتَانِ (٦٤)
- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٥) **فِيهِمَا عَيْنَانِ** نَضَاجَتَانِ (٦٦)
- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٧) **فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَ نَخْلٌ وَ رُمَّانٌ** (٦٨)
- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٩) **فِيهِنَّ خَيْرَاتُ حِسَانِ** (٧٠)
- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧١) حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (٧٢)
- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٣) لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانِ (٧٤)
- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٥) مُتَكَيِّينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضِرٍ وَ عَبْقَرِيٍّ حِسَانِ (٧٦)
- فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٧) تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (٧٨)



خدایا؛

ما را از « **شاکرین نعمتها** »

و « **ذاکرین آلاء** » خود قرار ده

و از هر **انکار** و **تکذیب** و **شرارتی** حفظ کن

و در ظهور آخرین حجتِ خود سهیممان بفرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

